مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۵ ، پاییز ۱۳۹۵جلد ۲، ص۱۸-۱۲

http://www.jrse.ir

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال دوم)
شماره۵/ پاییز ۱۳۹۵ / ص۱۸-۱۲

منابع و مبانی حقوق بین الملل عمومی از دیدگاه اسلام

احمد متقی زاده [1]

[1] عضو علمی پیام نور گروه معارف اسلامی، مربی، دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:
احمد متقی زاده

چکیده

اسلام صفاء و صمیمت بین تمام ملل را مفید و تفرقه و عداوت بین آنها را مضر می داند، هدف از طرح این مسئله نگاهی اجمالی به رویکرد منبع حقوق بین الملل عمومی از دیدگاه اسلام است در مرحله اول توصیف و تبیین این حقیقت است که اصل اولیه در روابط بین ملل از منظر اسلام همزیستی مسالمت آمیز بین جوامع است، مگر مواردی که طرف مقابل به هیچ تعهدی پایبند نباشد و تکبر بورزد، مبنای استدلال در این نوشتار توصیه های ظواهر آیات قرآن است و در مرحله دوم با استناد به توصه های قرآنی حد اقل بتواند زمینه گسترش عدالت، احسان، انصاف، خوش-خلقی، رحم، مروت، محبت و همچنین موجب کاهش عداوت، تفرقه، ظلم، بی‌انصافی، کینه‌توزی، تعصبات کاذب قومی و مذهبی در روابط بین مذاهب و ملل اسلامی گردد.

واژگان کلیدی: منابع ، مبانی حقوق، بین الملل عمومی، اسلام

مقدمه

الف) منابع و مبانی حقوق بین الملل عمومی ازمنظر آیات قرآن

کلمه مبانی را از نظر لغوی جمع مبنی به معنی محل بنا، بنیاد، شالوده و اساس می باشد(معین: ۹۱۵)، و از نظر اصطلاحی مبانی آن دسته از اصول و امور مسلم پذیرفته شده در میان علمای هر دانش است که زمینه و جنبه منطق زیر بنایی برای حل مسائل آن را دارد به نحوی که حل مسائل مربوطه با کمک آن مبانی و اصول اعم از اعتباری و حقیقی تبیین و تفسیر پذیر است.

قرآن کتاب هدایت همه جوامع انسانی و مهمترین منبع حقوقی مسلمین است همه افراد و جوامع را دعوت به رابطه حسنه می کند و از طرفی همه را مسئول می‌شمارد، در روابط ملل ها رفتاری را تعلیم می‌دهد که با کرامت انسانی هماهنگ و با احسن تقویم بودن بشر مناسب باشد، لذا تمام اوصاف رنج آور و تفرقه را نکوهش نموده و تمام فضائل مهربانی و وصل آور را ستوده است، اختلاف‌های نژادی را فقط در محدوده‌ی ابزار شناسائی یکدیگر امضاء نموده است و همچنین فخر بر همدیگر، بزهکاری، جاه‌طلبی، و حالت های استکباری فرد، دولت و هر ملتی را رفتاری ناشایست و معصیت می‌داند.

بنابر آیات « قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً»(بقره /۸۳) خدا به بندگان خود امر کرده با هر کس که انسان است مؤدّبانه سخن بگویند، هیچ قیدی ندارد که مومن، مسلم، مشرک، کافر، و ... همین که در جمع انسان ها قرار گرفته باید مؤدبّانه با او رفتار شود؛ علامه طباطبایی در مورد لفظ حُسْنًا می گوید که حُسْنًا مصدر است به معنی صفتی که برای مبالغه آمده و حُسْنًا کنایه از معاشرت با انسان ها می باشد اعم از کافران و مؤمنان، چنان که گفتار خشن با همزیستی مسالمت آمیز و معاشرت نیکو منافات ندارد، طبق نظر طباطبائی: «و هو کنایهٔ عن حسن المعاشرهٔ مع الناس، کافرهم و مؤمنهم و لا ینافی حکم القتال حتی تکون آیهٔ القتال ناسخهٔ له لان مورد القتال غیر مورد المعاشرهٔ ...» (طباطبائی/ ج ۱: ۲۱۹) ، این جمله کنایه از خوشرفتاری و حسن معاشرت با مردم است و با توجه به تعبیر «ناس» روشن می شود که مسلمانان مأمور به حسن معاشرت با همه مردم، اعمّ از مؤمن و کافر هستند.

در جای دیگر در مورد حقوق انسان بما هو انسان می‌فرماید: « وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءَهُمْ» (اعراف / ۸۵) و حق مردم را کم نگذارید، یعنی در تعاملی که با انسان ها دارید، در هیچ چیزی آن «بَخْس» نکنید! کم نگذارید؛ خطاب به عموم انسان ها است، قیدی ندارد، مسلمان و غیر مسلمان از هر مللی که باشد.

یک ـ پای بندی به عهد و پیمان

اصل معاهده از اساسی ترین اصـول در حقوق بین الملل است که هیچ کس، تحت هیـچ شـرایطی حـق به هم زدن آن را ندارد مگر این که طرف مقابل آن نقض کند، خداوند در قرآن می فرماید: أَوْفُوا بِالعَهدِ(إسراء/ ۲۴) به عهد ها وفا کنید! و در جایی دیگر می فرماید: یَاأَیُّها الَّذِینَ ءَامَنُواْ أَوْفُواْ بِالْعُقُودِ(المائده/ ۱) ای مؤمنان به پیمان هایی که بسته اید پایبند باشید، پیامبر اسلام(ص) نیز در ایام حکومت شان پیمان های متعددی با مخالفان خود بستند و تا آخر به پیمان های خود پایبند ماندند، مگر این که مخالفان آن را نقض کردند؛ بنابراین، قرآن کریم هر نوع عهد و پیمان و قرارداد (عمیدزنجانی:۹) را فردی یا گروهی با مسلمانان یا غیر مسلمانان، به ضرر یا نفع فرد باشد واجب می داند و تنها موردی که پای بندی به عهد و پیمان را ضروری نمی داند موردی است که طرف مقابل پیمان شکنی کرده باشد(انفال/ ۵۶ و ۵۸ و توبه/ ۱۲).

دوـ پرهیز از اهانت به باورها دیگران

حقوق و روابط بین ملل درشرایطی مسالمت آمیز است که توهین و اهانت به باور ها و عقاید همدیگر نشود، در صورت اهانت به عقاید طرف مقابل همزیستی و رابطه کم کم به عداوت تبدیل خواهد شد، خداوند متعال مسلمانان را از اهانت به اعتقادات غیر مسلمانان نهی می کند و متذکر می شود که پیامد چنین کاری چیزی جز بی احترامی به اعتقادات مسلمانان نخواهد بود، چنان که می فرماید: «وَلَا تَسُبُّواْ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَیَسُبُّواْ اللَّهَ عَدْوَا بِغَیْرِ عِلْمٍ...؛ هیچ گاه بت ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید، زیرا این عمل سبب می شود که آنها نیز به خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند» زیرا علاقه انسان اقتضا می کند از آنچه در نزد آن ها مقدس است دفاع کند و با کسانی که به حریم مقدس وی تجاوز می کنند به مقابله برخیزد.

سه ـ روابط جهت برقراری صلح

آیاتی در جهت برقراری صلح و زندگی مسالمت آمیز: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَکَّلْ عَلی اللّهِ؛ اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست» و در آیه دیگر می فرماید: أدْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّةً؛ همگی در صلح و آشتی در آیید» این آیات بیانگر همزیستی مسالمت آمیز با جوامع دیگر است، گاهی تلاش در جهت بر قراری همزیستی مسالمت آمیز که به نفع اسلام و مسلمین باشد مهمتر از جهاد بالسیف است، فرض بر این است که تمام حرکت های عقلایی یا برای جلب منفعت یا دفع ضرر است، اگر حد اکثرمنفعت به وسیله حد اقل ضرر حاصل شود، عقل به خلاف آن حکم نمی کند.

تاریخ اسلام گواهی می دهد که سنت پیامبر اکرم(ص) نیز این بود که سفیران خود را برای دعوت طرف مخالف به حل مسائل و پیروی حق می فرستادند، « وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُّنِيراً؛ و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک است،» هدف از فرو فرستادن کتاب های آسمانی و آمدن پیامبران را فراهم کردن زمینه اجرای قسط و عدالت در همه جوامع انسانی می داند، لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ،» (حدید/ ۵۷) ، و بدون محدود کردن اجرای قسط و عدل به مورد خاصی، از مؤمنان می خواهد آن را در همه زمینه ها رعایت کنند، در آیه، از مؤمنان می خواهد که حتی با دشمنان خویش، به عدالت رفتار کنند و به آنان هشدار می دهد مبادا دشمنی آنان شما را به گناه و ترک عدالت وادار کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُونُواْ قَوَّامِينَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالْقِسْطِ وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»(مائده/ ۸).

رفتار عادلانه در مورد دشمن نیز مطلوب قرآن بوده و کفر آن ها، مانع اجرای عدالت مسلمانان نمی شود، پس همان گونه که رعایت قسط و عدل با دشمنان و غیر مسلمانان مطلوب خداوند است با مسلمانان به طریق اولی مطلوب خداوند متعال است، رعایت آن وظیفه اجتماعی همه مسلمانان می باشد(انعام/ ۲۱، ۴۷ و فرقان / ۳۷).

چهار ــ حقوق و روابط بین الملل بر اساس عدل و احسان

قرآن اساس صفاء و صمیمت بین تمام جوامع را سودمند می‌شمارد، و مادامی که شخص یا مللی خیال فتنه ای را در سر نمی‌پروراند، و هوس ستم‌گری را در سر ندارد، باید با آنها با معیار قسط و عدل عمل شود و احترام متقابل را با گرامی‌داشت عدل و داد همه جانبه حفظ نمود، خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد، شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه‌ی دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است، «لا يَنْهاكُمُ الله عَنِّ الَّذين لَمْ يُقاتلُوكُمْ فِي الدّينِ وَ لَمْ يُخرجوكُم مِنْ ديارَكُمْ اَنْ تبرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ الله يُحبُّ المُقْسِطينَ» .«اِنَّما يَنْهاكُمُ الله عَنِ الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فى الدّينِ وَ اَخْرَجُوكُم مِنْ ديارِكُمْ وَ ظاهَروا عَلى اِخراجِكُمْ اَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُم فَاُولئِکَ هُمُ الظّالمُونَ.

احسان رفتاری فراتر از عدالت است مثلاً اجرای حکم قصاص عدالت است اما اگر ولی دم، قاتلی که نادم و توبه نموده است ببخشد، این رفتار احسان است، بر اساس آیات قرآن، همان گونه که احسان به مسلمانان مطلوب آفریدگار جهانیان است، احسان به غیرمسلمان غیرحربی نیز مطلوب خداوند می باشد، البته به تصریح قرآن کریم، احسان شامل غیر مسلمان حربی نمی شود.

پس همانطور که همزیستی و احسان به مستمندان جوامع اسلامی امری نیکو است، همزیستی و احسان به مستمندان جوامع غیر مسلمان نیز مورد رضایت خداوند است، پس اگر غیر مسلمانان، که با مسلمانان معاهده و پیمان دارند، نیازمند به کمک شدند باید مسلمانان به آن ها همزیستی بر اساس احسان داشته باشند.

در شرایطی که جای احسان باشد، احسان رفتاری فراتر از عدالت است، چراکه نیکویی به طرف مقابل است قرآن می فرماید: ان الله یامر بالعدل و الاحسان(نحل /۹۰)، خداوند به عدالت و احسان فرمان داده است، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: جماع التقوی فی قوله تعالی ان الله یامر بالعدل والاحسان(حویزی: ۱۷۸)، مجموعه تقوا و پرهیزکاری، در این گفتار خدا است که می فرماید: خداوند به عدالت و احسان، فرمان می دهد.

علی (ع) فرموده اند: العدل الانصاف و الاحسان التفضل(شهیدی ترجمه نهج البلاغه: حکمت ۲۳۱)، عدالت ادای حقوق مردم براساس انصاف است، ولی احسان آن است که علاوه بر ادای حقوق، بر دیگری نیکی نمودن است، در جای دیگر فرمودند: ان العدل میزان الله الذی وضعه للخلق و نصبه لاقامهٔ الحق،(ری شهری: ۶/ ۷۸ و ۸۰) عدالت، ترازوی سنجش خدا است، خداوند آن را برای (حفظ حقوق) انسان ها قرار داده و آن را برای اجرای حق و برقراری آن نصب کرده است، حقوق بین الملل عمومی از نظر اسلام ابتدا براساس عدالت است یعنی هر چیزی در جای خود قرار دادن برای نظم امور و در مرحله بعد اگر شرایط بود احسان است.

چنانکه علی (ع) فرمود: «عدالت، هر چیزی را در جای خود قرار دادن است» و نیز فرمود: «العدل نظام الامور»(همان) عدالت مایه نظم امور است ولی رابطه براساس احسان، تفضّل و نیکی به دیگران، یک نوع انجام اعمال و رفتار صالح تقریباً مترادف با تقوا و پرهیزکاری است، پس افزون بر عدالت نیکی کردن به دیگری از روی محبت و نوعی عبادت است، علی (ع) فرمود: «الاحسان محبهٔ»(همان: ۲/ ۴۴۲.) احسان یک نوع محبت کردن است، چنانچه از رسول اکرم (ص) نقل کردند که فرمود: «الاحسان أن تعبد الله کأنّک تراه فإن لم تکن تراه فإنّه یراک» (مجلسی: ۶۷/ ۱۹۶) و (بخاری: ۶/).

پنج ــ روابط بین الملل بر اساس رضایت خدا، پیامبر و مؤمنین

قرآن رابطه بر اساس همزیستی مسالمت آمیز با ملل دیگر را به شرطی می داند که ارتباط با آنها هم مورد رضای خدا باشد هم مورد رضای پیغمبر و هم مورد رضای مؤمنین باشد یعنی دولت و ملل بیگانه‌ای است که بر اساس احترام متقابل کار می‌کند خیانتی در کارش نیست علیه انسان تلاش و کوششی نکردند و نمی‌کنند و مرموز و مزدور هم نیستند، این‌گونه از روابط را خدا امضا کرده است در سورهٔ «ممتحنه»

فرمود کفاری که کاری با شما نداشته و ندارند، خدا نمی‌گوید با اینها رابطه برقرار نکنید ﴿لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم﴾ پس اگر کسی خواست رابطه برقرار کند باید طوری باشد که هم موافق احکام اسلام باشد یعنی هم حق الله و هم حق رسول و همچنین حقوق مردم نیز رعایت شود «وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللّهِ وَلاَ رَسُولِهِ وَلاَ المُؤْمِنِينَ» تکرار لا این حرف نفی برای آن است که تأکید شود مجموع در اینجا مراد است نه جمیع، مثل تکرار «لا» در سوره «نور» هم «لاَّ شَرْقِيَّةٍ وَلاَ غَرْبِيَّةٍ» مجموع مراد است(جوادی آملی، تفسیر تسنیم، سوره توبه، جلسه ۱۸).

شش ـ روابط بین الملل بر محور برّ و تقوی

آیه تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى،(بقره/ ۱۷۷) یک حکم اجتماعی و بین المللی است نه فردی، قرآن کریم برّ و تقوا را در حوزه تکلیف فردی بطور مبسوط در جای دیگر بیان نموده است، مثل، « لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَالْمَلآئِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوْا وَأُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» در آیه تعاونوا از مجموع همه ملل می خواهد که جامعه و جهانی بسازند که بر اساس برّ و تقوی باشد و همدیگر را بر محور برّ و تقوی کمک کنند، مثلاً، در سطح بین الملل هر نوع تلاش برای وفاداری به عهد پیمان، عمل به عدالت، صلح، امنیت، نظم و نشر علم از مصادیق «برّ» می باشد و نفی سلطه، استثمار، نژاد پرستی، هرج مرج و قطع ریشه های تجاوز در جهت نیکویی به شمار می آید.

هفت ـ هنر در جنگ، تسلیم حق نمودن دشمن است نه نابودی آن

دفع هرگونه تجاوز و هر نوع تهاجم ولو مسلمان امری لازم است، جنگ نوع خشونت روابط بین ملل و جوامع است در حقوق بین الملل اسلامی از بین بردن دشمن هنر نیست بلکه پایبند نمودن دشمن به تعهدات، تسلیم حق نمودن و دوستی برای همزیستی مسالمت آمیز آن هنر است، «وَ لا تَسْتَوِی الْحَسَنهی وَ لا السَّیِّئهی اِدفَعْ بِالَّتی هیَ احسَنُ فاِذا الَّذی بینَکَ وَ بَینهُ عَداوهی کَاَنّهُ ولیٌّ حمیمٌ، (فصلت/ ۳۴)، هرگز نیکی و بدی یکسان نیست بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه همان کس که میان تو و او دشمنی است، گوئی دوستی گرم و صمیمی است؛ ادب روابط بین الملل از نظر قرآن کریم بر اساس قسط و عدل متقابل است، در عین امر به عدل، ظلم و تحمّل ظلم را مذموم می داند، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری همانند ستم‌پذیری و ستمگری مذموم بشمار آمده و از هر دو نهی شده است. «لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ. سوره‌ی (بقره/ ۲۷۹) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

هشت ـ پرهیز از رابطه با کافران در سطح محبت و دوستی

«لاَّ يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُوْنِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۲۸.) مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند.

در جای دیگر می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لاَ يَأْلُونَكُمْ خَبَالاً...»(آل عمران/ ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خودتان همراز مگیرید، که در کار شما از هیچ تباهی فروگذار نکنند، «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادا كَبِيرا» (فرقان/ ۵۲) پس از کافران اطاعت مکن، و با (الهام گرفتن از) قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز، «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»(قلم/ ۹)، دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند، مداهنه سستی در امر دین و مقابل مدارا است.

چنانچه امام علی(ع) در غرر الحکم فرمود: إيّاكَ أنْ تُحِبَّ أعْداءَ اللّهِ، أو تُصْفِيَ وُدَّكَ لغَيرِ أولياءِ اللّهِ، فإنّ مَن أحَبَّ قَوماً حُشِرَ مَعهُم، امام علی(ع) مبادا دشمنان خدا را دوست بداری، یا دوستیت را نثار کسی جز دوستان خدا کنی، که هر کس مردمی را دوست بدارد با آنان محشور شود، (غرر الحکم : ۲۷۰۳).

مفسّران می گویند: کافران به پیامبر اکرم(ص) پیشنهاد کرده بودند که از تعرّض به خدایان ایشان کوتاه بیاید و آن ها را از شرک و بت پرستی نهی نکند و احیانا با آنان موافقت نماید و آن ها نیز در مقابل به پرودگار حضرت متعرض نشوند(طباطبایی: ۲۰/ ۲۹)، «مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُم»(فتح/۲۹)، محمّد فرستاده خداست، و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر و در میان خود مهربانند.

ب) منابع و مبانی حقوق بین الملل عمومی از منظر عقل و عقلا

یک ـ برهان خیر وشر

حقوق بین الملل عمومی بر محور همزیستی مسالمت آمیزی که حدود آن را اسلام مشخص نموده به عنوان یک الگو از چند وجه ذیل خارج نیست یا خیر محض است یا خیر غالبی (یعنی در آن شر نیز هست، اما خیر آن بیشتر است)، یا شر محض است یا شر غالبی(یعنی در آن خیر نیز هست، اما شر آن بیشتر است) و یا خیر و شر آن مساوی است، سه قسم اخیر باطل است، چرا که بعد از بررسی احوال و عادات ملل به خوبی دانسته می شود که هنگامی که این رفتار در میان آنها عملی شود، مظلوم بهتر یاری می شود و از ظلم بهتر پیشگیری می شود و همچنین ترغیب کننده به عدالت نیز بیشتر می باشد، در این صورت جوامع به صلاح نزدیک تر و از فساد دورتر می شوند، مهمتر اینکه زمینه نظم و دوری از هرج مرج بهتر میان آنها فراهم می گردد.

پس نمی توان گفت شر و خیر در همزیستی مسالمت آمیز بین جوامع مساوی است، چه رسد به اینکه شر محض یا شر غالبی باشد، پس تنها دو صورت خیر محض و خیر غالبی باقی می ماند، هر کدام از دو حالت که باشد، مطلوب حاصل است، اگر همزیستی مسالمت آمیز بین جوامع و ملل بر اساس هدایت مستقیم قرآن یا رسوخدا(ص) و یا ائمه(ع) باشد خیر محض است زیرا خداوند فیاض بالخیرات است، توصیه های رسول اکرم (ص) و ائمه در طول مراد حق تعالی است پس عمل به این مورد از همزیستی مسالمت آمیز با دیگران خیر محض است، روایت معروف از رسول خدا که فرمود: « أنا مدینهٔ العلم و علی بابها» ، « اقضاکم علی» (حاکم نیشابوری: ۱۲۶) ؛ (ابن خطیب: ۳۴۸)؛ متقی هندی: ۶/ ۱۵۲ـ ۱۵۶)؛ علی (ع) می فرماید: ایها الناس سلونی قبل أن تفقدونی، فلأنا بطرق السماء اعلم منّی بطرق الأرض(دشتی: ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)؛ نقل شده است که ابن مسعود علم ظاهر و باطن را نزد علی می دانست و علم تمام صحابه را در مقابل علم علی(ع)، همچون قطره در مقابل هفت دریا تعبیر می کرد. (مناوی، فیض القدیر، ص ۴۷ـ ۴۸)؛ ابی نعیم اصفهانی: ۱/ ۶۸).

اگر همزیستی مسالمت آمیز با دیگران خیر غالبی هم باشد قضیه بر همین منوال است، چرا که مشتمل بودن همزیستی مسالمت آمیز بر شر اندک است که آن مانع ضرورت همزیستی مسالمت آمیز نمی شود، چراکه ترک خیر کثیر برای شر قلیل، خود شر کثیر در ساحت جود و حکمت الهی است(شریعتمداری: ۱۳۴).

دو ـ برهان حسن و قبح

عقل را به عقل نظری که قوه درک باطنی است و عقل عملی که از قوای حرکتی باطنی است مثل اراده، عزم، تصمیم، محبت تقسیم می کنند، درک عقل نظری مثل درک حسن عدالت و قبح ظلم فی کل حال و درک اقتضائیاتی که زمینه حسن و قبح در آن ها وجود دارد، مثل همزیستی مسلمت آمیز، ترک و فعل آنها بر محور ظلم و عدالت است، اگر ترک همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین الملل و جوامع موجب ظلم به کثیری از مردم شود ترک آن قبیح است و اگر انجام آن مصداق عدل قرار بگیرد علاوه بر نیک بودن عمل به آن ضرورت پیدا می کند، در حالیکه تفرقه چنین نیست زیرا هیچ خیری در آن نیست و منتهی به ظلم می شود، لذا مطلقا مضر و قبیح است.

همزیستی مسالمت آمیز مبنای پذیرفته شده در روابط بین الملل و جوامع بین عقلای عالم است، همزیستی مسالمت آمیز همانند حُسن همجواری، وفای به عهد پیمان، حفظ محیط زیست، عدالت و ... این ها مبانی استنباط مقررات و حدود رفتار انسان ها با یکدیگر هستند، با توجه به این مبانی، عقلای عالم مقررات و حدودی را برای تحقق همزیستی مسالمت آمیز برای جوامع انسانی که نسبت به یکدیگر باید رعایت کنند استنباط می کنند، هسته مرکزی همه آن مبانی عدل است.

امام علی (ع) عدل را اینگونه تعریف می نماید:« العدل وضع کل شیء موضعه» عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. و یا در جای دیگر می فرماید: « العدل اعطاء کل ذی حق حقه» عدالت، آن است که حق هر صاحب حقی، داده شود، شهید مطهری نیز عدالت را رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق می داند(مطهری: ۶۲- ۵۹)، حدود و جای اشیاء را فقط منابعی به نام قرآن، رسول اکرم(ص) و اهل البیت(ع می دانند.

خداوند است که مصالح و مفاسد را می داند وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ(نحل / ۷۴)؛ و برای انسان ها مشخص می کند إِنَّ اللّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ(مائده/۱)، هر گونه رفتار عاطفی، عادات و عرف بشری را اگر بخواهند مبتنی بر عدل باشد باید بر شرع (عقل و نقل) عرضه نمود اگر تعارض یا تزاحم داشت حکم شرع مقدم و مرجح است زیرا، هر مسلمان عاقل می‌گوید آنچه را که خالق حکیم حکم نموده همان عدل و به مصلحت است.

عقلای عالم رفتار و جوامع انسانی را با هم بر مبنای حُسن همجواری، وفای به عهد پیمان، حفظ محیط زیست، برقرای صلح جوامع انسانی و همزیستی مسالمت آمیز می دانند که بر اساس آن مبانی میان جوامع انسانی عدل برقرار شود، از منظر اسلام همان مبنای عقلا، بنا بر حکم عقل پذیرفته شده است چون خیر غالب است ولی عدل که معنایش هر چیز در جای خود قرار گرفتن است را چه کسی می تواند تشخیص دهد و مُعَیَّن کند؟ منبع آن قرآن، رسول اکرم و اهل البیت هستند، پس معیار، ملاک و مناط مبانی را باید از منابع گرفت.

همزیستی مسالمت آمیز با دیگران در آموزه های اسلام چون مبانی از منابع اصلی دین گرفته است علاوه بر صلح، حرکت به سمت عدل و پیشگیری از ظلم است در حالیکه در آموزه های غیر اسلامی مبانی از منابع گرفته نمی شود در فهم بشری متوقف می شود فقط مبنا صلح است، بین آنها عموم خصوص مطلق است هر همزیستی مسالمت آمیز که بر اساس عدل و پیشگیری از ظلم باشد، صلح هم بر قرار است ولی هر صلحی بین انسان اعم از عدل و پیشگیری از ظلم است، نظام سرمایه‌داری غرب در منطقه خاور میانه خواستار صلح و همزیستی مسالمت آمیز در روابط بین الملل هستند که صلح جهانی برقرار باشد.

گروهی صهیونیسم غاصبانه سرزمین ملتی را ظالمانه اشغال و آنها را آواره نمود اند، اگر آنها با جهاد و دفاع از حقوقشان به مبارزه برخیزند، سزاوار نیست آنها را به عنوان اینکه همزیستی مسالمت آمیز با غاصبان ندارند ضد صلح و تروریست معرفی نمود.

همزیستی مسالمت آمیز به عنوان مبانی صلح بین انسان ها اگر از منبع گرفته شود عین عدل است، چون به حقوق همه توجه شده حقی که خداوند برای بشر وضع نموده، حقوق همه جوامع انسانی برآورده می شود، اما اگر مبنا فقط بر اساس صلح جهانی باشد برخی موارد بسیار

مذموم است اصل این است که عدل برقرار شود و پیشگیری از ظلم شود تا مشکل همه ملت ها و اقوام حل شود و الا صلح بدون عدالت، عوام پسند و غیر عقلایی است زیرا بین عدل و صلح عام خاص است.

نتیجه

اسلام مکتب جهانی درای منابع و مبانی حقوق بین الملل عمومی و خصوصی است و برای تمام ملل راهکار هدایتی دارد اصل روابط را عمل به تعهدات و همزیستی مسالمت آمیز بر میزان عدل و نفی ظلم جهت رفع نیازهای مادی و معنوی می داند و مللی که تکبر بورزند و به تعهدات پایبند نباشند عدم ارتباط با آنها را توصیه می کند و اساس روابط بین المللی عمومی را همزیستی مسالمت آمیز جهت رفع نیاز و ترویج ارزش های اخلاقی مانند: عدالت، گفتار و رفتار نیکوی بدون خشـونت وعدم اهانت به ارزش های طرف مقابل و درمذاکره استفاده از حکمت و برهان و جدل احسن را توصیه می نماید و در برقراری ارتباط بر اشتراکات در خلقت ملل را یادآوری می کند و تمام افراد و ملل را به سوی حق دعوت می کند.

منابع و مراجع

[۱] قرآن کریم
[۲] ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، (۱۳۸۷ه.ق)، حلیۀ الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۱، بیروت ، چاپ محمدامین خانجی.
[۳] جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴)، تفسیر تسنیم، تفسیر سوره توبه، قم انتشارات اسرا.
[۴] حاکم نیشابوری، محمّد بن عبدالله، (۱۳۹۰)، متوفی سال ۴۰۵ ه.ق، المستدرک علی الصحیحین، اثر علیرضا حیدری‌نسب، ج ۳، انتشارات علمی و فرهنگی.
[۵] خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۳۱۷ ه.ق)، تاریخ بغداد، ج ۴، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم.
[۶] دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، (۱۳۸۴)، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، بهار.
[۷] شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه،(۱۳۸۷)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
[۸] شریعتمداری، حمید رضا و ...، (۱۳۹۳)، معارف کلامی شیعه کلیات امامت، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب و سمت، چاپ اول.
[۹] طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، ج ۱،انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
[۱۰] طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۶۷)، ج ۲۰، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
[۱۱] عبدعلی بن جمعه العروسی حویزی(متوفای ۱۱۱۲ق) تفسیر نورالثقلین، جلد۳، به تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی،(۱۳۸۳ ه. ق)، انتشار مطبعه العلمیۀ قم.
[۱۲] عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۷۸)، غرر الحکم و دررالکلم ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
[۱۳] عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۴۲۱ه. ق)، فقه سیاسی، ج۱، ناشر:امیر کبیر، تهران.
[۱۴] قمی، عباس، (۱۳۷۶)، فیض القدیر فیما یتعلق بحدیث الغدیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.
[۱۵] متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ه.ق)، کنزالعمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۶، بیروت، مؤسسۀ الرسالۀ، *چاپ* پنجم.
[۱۶] مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۴)، بحارالانوار الجامعۀ لدرر اخبار الائمۀ الاطهار، ج ۶۷، تهران، دارالکتاب اسلامیه، نوبت دوم.
[۱۷] محمد بن اسماعیل بخاری، (۲۵۶ ه)، (۱۴۰۶ ه.ق)، صحیح البخاری، ج۶، مؤسسۀ الکتب الثقافیۀ، بیروت، چال اول.
[۱۸] محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۳)، میزان الحکمۀ، ج ۲، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم.
[۱۹] محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۵)، میزان الحکمۀ، ج ۶، موسسه علمی فرهنگی، قم دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
[۲۰] مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، بیست گفتار، (چاپ ۳۲)، قم انتشارات صدرا.
[۲۱] معین، محمد، (۱۳۵۰)، فرهنگ معین، ج۲، تهران انتشارات امیرکبیر.